

با پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب

سالروز بیست و دوم بهمن ماه ۵۷ را گرامی می‌داریم

با گذشت بیست و دو سال از انقلاب شکوهمند و بی‌نظیر ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و انقراض نظام دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی، هنوز شعله‌ها و شعارهای آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه آن در دل‌های مردم زنده است و با امید تحقق واقعی آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند.

شایسته است ضمن تبریک و بزرگداشت سالگرد این انقلاب مردمی و عظیم قرن، به روند تحولات و چالش‌ها و مسایل و مشکلاتی که مردم ما برای تحقق آن از نخستین روزهای پیروزی تا به امروز با آن روبرو بوده و راه و بیراهه‌هایی را که پیموده‌اند نظری بیفکنیم و موقعیت و شرایطی را که اکنون جامعه ما برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب در آن به سر می‌برد تحلیل کنیم.

بی‌تردید انقلاب اسلامی ایران تجلی اراده و عزم تاریخی ملت برای تحقق آرمان‌های انسانی و ارزش‌های والای اخلاقی و آزادی‌خواهی و عدالت‌خواهی بود و به ثمر رسیدن آن انقلاب در نخستین مرحله ضربات سختی بر پیکر استبداد و استعمار وارد آورد و ملت را از زیر یوغ سلطه اجانب و استبداد چند هزار ساله خارج کرد.

این انقلاب فرایند یک قرن تلاش و جانفشانی اقشار و گروه‌های مختلف، از زن، مرد، پیر، جوان، شهری و روستایی بود که در برابر سلطه استعمار و استبداد ایستادند و همه‌گونه سختی و رنج را تحمل کردند و در نهایت به موفقیت قاطعی دست یافتند. مردم ما در آغاز قرن بیستم استبداد قاجار را از پای درآوردند و نظام استبدادی را به نظامی مشروطه تبدیل کردند، که خود قدمی موثر در جهت مردم‌سالاری بود، اما متأسفانه توطئه‌های پی در پی خارجی و اختلافات و درگیری‌های داخلی، موجب فراموشی و غفلت از آرمان‌های مشروطیت و زمینه‌ساز روی کار آمدن رضاخان و دیکتاتوری نظامی گردید. به این ترتیب پس از خیزش آغاز قرن، بیست سال تحقق آزادی ملت و پروژه نظام مردم‌سالاری در کشور به تاخیر افتاد.

با سقوط دیکتاتوری بیست ساله و تبعید رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰، بار دیگر موج هیجان و شوق و شادمانی رهایی از استبداد بالا گرفت و احساس آزادی در مردم زنده شد و احزاب و گروه‌ها و شخصیت‌های وطن‌خواه به حرکت درآمدند تا سرانجام در اواخر دهه ۲۰، با آزادی‌های محدودی که اقلیت مجلس پیدا کرده بود، توانست با تکیه بر پشتیبانی قاطبه مردم، به رهبری دکتر محمد مصدق پیشوای نهضت ملی ایران نفت را ملی کند و در برابر استبداد شاه و نفوذ اجانب و توطئه دربار بایستد. لایحه ملی شدن صنعت نفت بر اکثریت خود فروخته مجلس تحمیل گردید و پس از ۵۰ سال غارت منابع کشور، این سرمایه خداداد، ملی شد.

در دوره ۲۷ ماهه حکومت ملی دکتر مصدق، ملت نه تنها با غرور و افتخار در برابر بزرگترین قدرت استعماری قرن ایستاد و از امپراطوری بریتانیای کبیر خلع ید کرد، بلکه در جهت تحقق دموکراسی واقعی و عدالت اجتماعی و خودکفایی اقتصادی نیز قدم‌های موثری برداشته شد.

این بار نیز متاسفانه، توطئه دربار و عمال استعمار و اختلافات داخلی زمینه‌ساز کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ شد و بار دیگر ثروت‌های خدادادی توسط بیگانگان به یغما رفت و دوران سرکوب و خفقان و اعدام و زندان و شکنجه و تبعید آغاز شد، روزنامه‌های آزاد و احزاب مستقل تعطیل گردید و سایه ساواک و حضور ارتش سرکوبگر بر همه جا سایه‌افکن شد، اما به رغم کسانی که کشور را ترک کردند و آن‌ها که بی‌تفاوت ماندند یا تسلیم شدند، گروه‌ها و شخصیت‌های وطن‌خواه و آزادی‌طلب نیروی مقاومت مردم را مخفیانه بسیج کردند و نهضت مقاومت ملی از همان فردای ۲۸ مرداد شکل گرفت و مردم را به مبارزه منفی و عدم تسلیم در برابر دولت کودتا دعوت کرد. تا سرانجام در سال ۱۳۳۹، جبهه ملی ایران، احزاب و گروه‌هایی که به آرمان‌های استقلال و آزادی و ملی شدن صنعت نفت وفادار مانده بودند، مبارزه علنی و سازمان یافته خود را شروع کرده و به افشاگری علیه دربار و فساد پرداختند و بار دیگر مبارزات شدت گرفت.

در سال ۱۳۴۰ نهضت آزادی ایران به رهبری مهندس مهدی بازرگان، آیت‌الله طالقانی و دکتر سحابی و جمعی دیگر از مسلمانان صاحب درد به عنوان یکی از رادیکال‌ترین احزاب، به سازماندهی علیه دیکتاتوری پرداخت و پیکان حمله را مستقیماً به سمت شاه نشانه گرفت. این حزب که در اندک مدتی مورد اعتماد اقشار مختلف، به خصوص جوانان و دانشجویان و روشنفکران و روحانیون قرار گرفته بود، به زودی نگرانی عمال استبداد را فراهم ساخت و هنوز دو سال از تاسیس آن نگذشته بود که سران آن به زندان افتاده و در دادگاه‌های نظامی محاکمه و به زندان‌های بلند مدت و تبعید (به برازجان) محکوم شدند، اما آتش مبارزه همچنان شعله‌ور باقی ماند و مخالفت و مقاومت مردم نیز به اوج رسید.

در ۱۵ خرداد ۴۲ پشتیبانی و تایید مردم از آیت‌الله خمینی و مقاومت آن‌ها در برابر دیکتاتوری، منجر به کشتار و قتل‌عام توده مردم و سرکوب نهضت و تبعید آیت‌الله خمینی به ترکیه شد. اما مقاومت همچنان ادامه یافت و به تدریج حالت تهاجمی و تعرضی به خود گرفت. شاه علیرغم طرح انقلاب سفید! و توسل به ترفندهایی نظیر اصلاحات ارضی، مواجه با جنبش مسلحانه و مبارزات زیرزمینی و اعتراضات گسترده دانشجویان در داخل کشور و سراسر جهان گردید.

در اوایل دهه ۵۰ حضور دکتر شریعتی در صحنه مبارزه و روشنگری‌ها و تحلیل‌های جامعه‌شناسانه او از شرایط فرهنگی، اجتماعی و سخنرانی در حسینیه ارشاد و نیز استفاده از تریبون‌های دانشگاهی، سطح تفکر و اندیشه انقلابی و اسلامی را ارتقا بخشید و سراسر ایران را به مراکز تجمع دانشجویان و مبارزات علنی علیه دستگاه دیکتاتوری تبدیل کرد. در حقیقت سال‌های ۴۸ تا ۵۲ را باید نقطه عطف مبارزات ملی و اسلامی و شکل‌گیری افکار و جهت‌یابی و ارتقاء ایدئولوژیک مبارزه به سمت انقلاب به شمار آورد، در این دوران خودآگاهی اجتماعی، بازیابی ارزش‌های تحول‌آفرین، شهادت‌طلبی و روحیه ایثار قوت گرفت و انجمن‌های اسلامی دانشجویان در سراسر ایران و خارج از کشور به بستر مبارزات ملی و اسلامی تبدیل شد. با شهادت دکتر شریعتی در خرداد ۵۶ سراسر ایران آماده قیام و انقلاب و به

یک انبار باروت مبدل شده بود. مردم آگاهانه به یک تغییر ساختاری در نظام سیاسی اجتماعی و فرهنگی ایران فکر می‌کردند. در چنین شرایطی شعله‌های انقلاب از دل‌ها به کوچه‌ها، شهرها و روستاهای سراسر ایران گسترش یافت و نهایتاً در سال ۱۳۵۷ اکثریت قاطع مردم با شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی به این حرکت پیوستند.

مبارزات همه جانبه و وسیع مردم به خاطر آزادی و نفی دیکتاتوری و تحقق ارزش‌های والای اسلامی، نه فقط در شعارهای آن‌ها بلکه در وعده‌های رهبران انقلاب و شخص امام خمینی در سراسر دنیا طنین افکند و بدینسان یک انقلاب عظیم مردمی برای تحقق مردم‌سالاری و ارزش‌های اخلاقی و ایفای حقوق مردم به ثمر رسید.

اکنون با اندکی تامل می‌توان ملاحظه کرد که این مبارزه و فداکاری و مقاومت طولانی تا پیروزی انقلاب با چه هدفی دنبال شده است و چرا خیانت به قانون اساسی، خیانت به فداکاری‌ها و خون‌هایی است که طی یکصد سال بر زمین ریخته شد. این میراث نسل‌های متوالی و محصول تلاش مبارزان راه آزادی و اقشار مختلف مردم است که با بهره‌گیری از تجربیات نسل‌های متوالی، انقلاب اسلامی را تحقق بخشیده است. با کمال تأسف از همان فردای انقلاب پس از پیروزی بر دیکتاتوری شاه و طرد استعمار، شاهد ادعاها و تمایلات انحرافی گروه‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف دینی و غیردینی برای قبضه کردن قدرت و تملک انقلاب و دستاوردها و امکانات آن بودیم، عده‌ای انقلاب را به سان غنیمتی تصور کرده و می‌کنند که همچون مائده آسمانی باید به غارت آن پردازند و بر دستاوردهای یکصد سال مبارزه مردم، چوب حراج بزنند و تمامی منافع و سرمایه‌های ملی و امکانات و نیروی انسانی آن را تصاحب نمایند.

امروزه بی‌اهمیت نشان دادن یکی از ارکان اصلی نظام یعنی جمهوریت از سوی برخی افراد و جناح‌های انحصارطلب و مطلق‌گرا، سکه رایج شده و تمامی دستاوردهای مردم به باد تمسخر گرفته می‌شود. با رای مردم بازی می‌شود و مردم‌سالاری زیر سوال می‌رود! حتی اصلاحاتی که مردم به آن رای داده‌اند انکار می‌شود و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی منجمله آزادی مطبوعات و آزادی فعالیت احزاب و تصمیم‌گیری و دخالت مجلس به هیچ انگاشته می‌شود. جالب این است که پرچم مخالفت با جمهوریت و مردم‌سالاری را امروز کسانی بر دوش می‌کشند، و جمهوریت را در برابر دیانت قرار می‌دهند که در دوران انقلاب یا از مخالفین بوده‌اند یا کمترین نقش را داشته‌اند!

اینک با گذشت ۲۲ سال از انقلاب، مردم ما با سرکوب آزادی‌ها، تعطیل روزنامه‌ها و مجلات، بهره‌برداری یکسویه از نهادهای تبلیغاتی، نقض بی‌طرفی قوه قضاییه به زیان نظام مردم‌سالاری و تهدید و خشونت و ترور روشنفکران از سوی گروه‌های خشن و تمامیت‌خواه روبرو هستند.

این بحران‌ها در حالی صورت می‌گیرد که پس از رای یکپارچه مردم به اصلاحات و انتخاب قاطع آقای خاتمی در خرداد ۷۶ و اصلاح‌طلبان در مجلس شورای اسلامی، مبارزه علیه آزادی و جمهوریت و مردم‌سالاری و اصلاحات اساسی، شدت گرفته است. در واقع با آغاز اصلاحات و مشارکت مردم و توسعه دموکراسی، معارضة با این حرکت شدت بیشتری یافته است. ریاست جمهوری از همان آغاز «آزادی»، «قانون‌گرایی» و «جامعه مدنی» را شعار خود قرار داد و توانست با طرح این مطالبات که به دست فراموشی سپرده شده بود، خواست و آرزوی ملی را که آرمان تاریخی مردم نیز بود متبلور سازد در

حالی که برخی محافل از «حکومت عدل اسلامی» به جای «جمهوری اسلامی» سخن می‌رانند. گروه‌ها و محافلی که زمام قدرت دینی و دنیوی را در انحصار خود دارند حق شهروندی برای کسی قائل نبوده، «اصلاحات» سیاسی را که یکی از ضرورت‌های زمان است بر نمی‌تابند و به عناوین مختلف و با لطائف‌الحیل و استفاده از همه وسایل و امکانات در راه اصلاحات مانع ایجاد می‌کنند. گفتگو از آزادی‌های سیاسی مصرح در قانون اساسی را مرادف با بی‌بندوباری و آزادی‌های جنسی می‌شمردند. درست در زمانی که «اصلاحات سیاسی» جایگاه خود را در جامعه باز کرده و قدم‌های موثری در راه گشودن فضای فرهنگی و مطبوعات برداشته می‌شود و انتخابات شوراهای اسلامی و انتخابات مجلس ششم می‌رود تا راه را برای اصلاحات بگشاید؛ مبارزه همه جانبه‌ای از سوی برخی نهادهای رسمی و نیمه رسمی با تبلیغات تند و ناروا علیه اصلاحات و شخص آقای خاتمی شروع می‌شود و محافل بسته و متحجر و متعصب مذهبی را به خشونت و حمله و هجوم به اشخاص و روزنامه‌ها تشویق می‌کنند و تعداد زیادی از روشنفکران مذهبی، نویسندگان و روزنامه‌نگاران را به بهانه‌های مختلف به زندان‌های طویل‌مدت محکوم می‌نمایند.

بدیهی است در چنین شرایطی که اقتدارگرایان با بهره‌گیری از ساختارهای نامرئی قدرت به اصلاحات پشت پا می‌زنند و دایره انحصار «خودی» و «غیرخودی» به شدت تنگ می‌شود و با دانشجو و صاحبان خرد و دانش به ستیز برمی‌خیزند، جامعه هر چه بیشتر به سمت بسته شدن پیش می‌رود، تسامح و انعطاف و عدالت محو می‌شود، تا جایی که هویت و شخصیت افراد نیز مورد تعرض و تهاجم قرار می‌گیرد.

چنین جامعه‌ای هم از اسلامیت فاصله می‌گیرد، هم از جمهوریت و هم از حقوق انسانی. واکنش طبیعی چنین وضعی، عدم احساس مسوولیت در جوانان، توسعه انواع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، دین‌گریزی، بی‌اعتمادی نسبت به دین و دینداران، ناهنجاری، کم‌کاری، کاهش اعتماد به نفس، خود سانسوری، فساد و بی‌عدالتی است که به صورت نگران‌کننده‌ای جامعه را فرا می‌گیرد. تحمیل عقاید و باورهای سنتی با شیوه‌ای جزمی و تحکم‌آمیز و ممانعت از هر گونه اندیشه‌ورزی و جلوگیری از انتقاد، جامعه را به تعطیل تعقل سوق می‌دهد و ضدیت با نظام به صورت علنی و غیرعلنی رشد می‌یابد.

نهضت آزادی ایران، در آستانه بیست و سومین سال انقلاب اسلامی و در یوم‌الله ۲۲ بهمن، به تمامی قدرت‌طلبان هشدار می‌دهد که از تاریخ عبرت بگیرند، و از خدا بترسند و حقوق مردم را به تمامه به رسمیت بشناسند، بگذارند ملتی که انقلاب به آن عظمت را به ثمر رسانده است، خود درباره سرنوشت خویش تصمیم بگیرد.

نهضت آزادی ایران از قوه قضاییه می‌خواهد استقلال و بی‌طرفی کامل را، آن طور که در قانون اساسی پیش بینی شده است، حفظ نماید و با احتراز از هر عملی که شائبه مقابله و ضدیت با آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و حقوق ملت بر آن برود، روح قانون اساسی و انقلاب اسلامی را که مبتنی بر مردم‌سالاری است حفظ کند. ما خواستار آنیم که روشنفکران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران و تمامی کسانی که به خاطر آزادی بیان و اندیشه به زندان افتاده‌اند سریعاً آزاد گردند و از روزنامه‌هایی که به دستور قوه قضاییه بسته شده رفع توقیف به عمل آید.

از ریاست جمهوری آقای خاتمی و مجلس اصلاحات می‌خواهیم که در برابر فشار رانت‌خواهان و انحصارطلبان تسلیم نشوند و با تکیه بر سوگندی که یاد کرده‌اند، به تمامه از حقوق مردم و آزادی‌های اساسی مصرح در قانون اساسی دفاع کنند.

در سالروز برگزاری بیست و دوم بهمن، روز انقلاب، از تمامی مردم مبارز و رنج‌کشیده ایران اسلامی می‌خواهیم که هوشیارانه در صحنه باقی بمانند و با پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب نگذارند میراث مبارزات چند نسل مردم این کشور که با آرمان آزادی و تحقق جامعه مدنی و ایفای حقوق مردم انجام پذیرفته است، به یغما رود و دموکراسی از جامعه رخت بریندد.

نهضت آزادی ایران